

واکاوی ارتباط بین متغیر اقتصاد مرزنشینان با امنیت پایدار در مناطق مرز با تاکید بر مناطق مرزی ایران

سیده‌های زرقانی^{۱*}، فاطمه بخشی شادمهری^۲

۱-دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

h-zarghani@um.ac.ir*

چکیده:

طرح مسئله: امنیت پایدار بر پوشش عادلانه فضایی و اجتماعی امنیت و نقش محوری مردم در استقرار امنیت تأکید دارد. مناطق مرزی به دلیل برخی ویژگی‌ها و شاخص‌هایی خاص با چالش‌های امنیتی متعددی روبرو هستند. از آنجا که یکی از متغیرهای مؤثر بر امنیت پایدار مرز و مناطق مرزی، ویژگی‌های اقتصادی مرزنشینان و سطح توسعه اقتصادی مناطق مرزی می‌باشد در این پژوهش اقتصاد مناطق مرزی در دو محور بررسی شده است.

روش پژوهش: این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با مراجعه به منابع معتبر درصدد بررسی این مسئله است که وضعیت اقتصادی مرزنشینان و مناطق مرزی چه ارتباطی با استقرار امنیت پایدار در مناطق مرزی دارد؟

یافته‌ها: در محور تاثیر وضعیت اقتصادی مرزنشینان بر امنیت و توسعه در مناطق مرزی: در بررسی این محور به سه ایت مهم وضعیت توسعه و رفاه در مناطق مرزی، زمینه‌های توسعه نیافتگی مناطق مرزی و محرومیت و توسعه نیافتگی مناطق مرزی و نقش آن در امنیت مرزی تأکید شده است و محور دوم وضعیت توسعه اقتصادی- اجتماعی را در دو سوی مرز: که در بررسی این محور به اختلاف سطح توسعه در دو سوی مرز و نقش آن در امنیت مرزی تأکید شده است.

نتیجه گیری: در نهایت می‌توان بیان کرد که سطح توسعه اقتصادی پایین در مناطق مرزی، محرومیت، شرایط خاص جغرافیایی (دوری از مرکز و انزوای جغرافیایی) و ناپایداری جمعیتی در مناطق مرزی تأثیرات عمیقی روی امنیت مناطق مرزی نیز می‌گذارد. ضعف بودن احساس تعلق به زمین و سرزمین، امکان سوء استفاده از جمعیت مرزنشین توسط دشمن در بسیاری از مناطق دیده شده است و وجود اختلاف فراوان در قدرت اقتصادی دوکشور همسایه که منجر به تفاوت قابل توجه قیمت کالا، خدمات، تسهیلات و بازار کالا در دوسوی مرز می‌گردد که هم می‌تواند آثار منفی داشته باشد و هم آثار مثبت.

واژگان کلیدی: امنیت پایدار، اقتصاد، مناطق مرزی، مرزنشینان، توسعه

۱- مقدمه

مهم ترین نیاز جامعه، خواه یک طایفه یا خواه یک کشور، تامین امنیت آن ها توسط دولت هاست. امروزه با گسترده و پیچیده شدن جوامع، موضوع امنیت ابعاد گسترده و پیچیده ای به خود گرفته است به طوریکه رویکردهای گذشته به موضوع امنیت دیگر جامعیت لازم را ندارد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۵). به حیث تاریخی در دوران جنگ سرد، قدرت به صورت نظامی تعریف می شد و امنیت نیز به طور طبیعی تک بعدی و از دیدگاه نظامی قابل درک بود، ولی در عصر جهانی شدن با تکرار قدرت در حوزه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، دانش فنی، فردی و فناوری، امنیت نیز دچار تعریف و تغییری چند بعدی شد. امنیت در عصر جهانی شدن بر پایه مفهومی از امنیت سیستمی استوار است که در آن امنیت بخشی از یک شبکه با سایر اجزای آن شبکه به هم پیوسته است و کلیت شبکه نیز پیوسته بر اجزای منفرد آن تاثیر می گذارد (علایی، ۱۳۹۱: ۱۲۳). امروزه با پارادایم جدیدی تحت عنوان «امنیت پایدار روبرو هستیم. که بر تمامی ابعاد و شاخص های امنیت توجه داشته و بر پوشش عادلانه فضایی و اجتماعی امنیت و نقش: محوری مردم در استقرار امنیت تأکید می کند (زرقانی و بخشی، ۱۳۹۵: ۱۲). این پارادایم جدید، نگرشی متفاوت به موضوع امنیت دارد و ابعاد، ویژگی ها، شاخص های خاص خود را دارد. امنیت پایدار صرفاً با تدابیر نظامی قابل حصول نیست، بلکه در چارچوب خواست های نوین شهروند معاصر که ابعاد منطقه ای، ملی و فراملی به خود گرفته، باز تعریف می شود. پایداری و مفاهیم ترکیبی آن مانند امنیت پایدار ناظر بر درک جامعی است که بر پایه آن، به همه عوامل موثر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و ... در کنار یکدیگر و در تعامل باهم توجه می شود. یکی از مناطقی که برقراری امنیت پایدار در آن تبدیل به دغدغه ای برای تمام دولت ها و برنامه ریزان شده است مناطق مرزی می باشد چرا که بر خلاف مناطق داخل کشور، امنیت مرز و مناطق مرزی هم وابسته به ویژگی های جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... داخل کشور است و هم شرایط جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور همسایه تاثیر مستقیمی بر استقرار امنیت در این مناطق دارد.

این شرایط ویژه توجه به امنیت پایدار مناطق مرزی از جوانب مختلف را می طلبد. یکی از متغیرهای موثر بر امنیت پایدار مرز و مناطق مرزی، ویژگی های اقتصادی مرز نشینان و سطح توسعه اقتصادی مناطق مرزی می باشد. مرزهای بین-المللی تفکیک کننده دو سیستم اقتصادی مستقل می باشد از این رو بر خلاف مناطق داخلی، مناطق مرزی ناگزیر هم تحت تاثیر سیستم اقتصادی داخل کشور و هم سیستم اقتصادی کشور همسایه قرار می گیرند (زرقانی، ۱۳۹۲: ۳۴۳). در واقع، مناطق مرزی به دلیل تماس با محیط های گوناگون داخلی و خارجی از ویژگی های خاصی برخوردارند. وجود مبادلات و پیوندهای فضایی-اقتصادی در دو سوی مرز، ویژگی خاصی از حیث تهدیدات و فرصتهای اقتصادی پیش روی این مناطق قرار داده است (عندلیب، ۱۳۸۶: ۱۶). در این پژوهش تلاش شده است تا استقرار امنیت پایدار در مناطق مرزی تحت تاثیر سطح توسعه اقتصادی در دو سوی مرز و ویژگی های اقتصادی مرز نشینان مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. امنیت پایدار

«امنیت پایدار» همانند مفهوم امنیت مفهومی پیچیده و چند وجهی است و از این رو در مورد تعریف، ماهیت، عناصر، کارکرد، ابعاد و ویژگی های آن دیدگاه های متفاوت و متعددی وجود دارد. در واقع مقوله امنیت پایدار مفهومی میان رشته ای است، از این رو بازشناسی و رسیدن به تعریفی نسبتاً جامع بدون توجه به علوم اجتماعی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی و مطالعات فرهنگی ممکن نیست. سهم و نقش هر یک از علوم یادشده در مفهوم پردازی و معنانشناسی نوین امنیت پایدار یکسان نیست. به دو دلیل امنیت پایدار مقوله ای میان رشته ای است: یک، به دلیل به هم پیوستگی و در هم تنیدگی و روابط چندسویه پدیده های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با یکدیگر که خود ناشی از خصلت شبکه ای بودن جوامع امروزی

است و دیگری، به دلیل ارتباط دو سویه مقوله « امنیت پایدار » با مجموعه پدیده های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی (فاتحی، ۱۳۹۱: ۱۱۰). در ادامه مطلب به اختصار به تعاریف امنیت پایدار و مبانی نظری آن اشاره می شود:

جدول ۱: تعاریف امنیت پایدار و ابعاد مورد تاکید پژوهشگران

پژوهشگر	تعریف	ابعاد مورد تاکید
گروه پژوهشی آکسفورد (ORG) ۲۰۰۸	امنیت پایدار به معنی توجه به امنیتی فراتر از امنیت ملی است. به جای تمرکز صرف بر امنیت سنتی، باید به رفاه بیشتر مردم، تشویق توسعه بین المللی و اقداماتی در خصوص حفاظت بیشتر از غیرنظامیان بیگناه فکر کنیم. امنیتی پایدار است که تفکر آن امنیت بلندمدت جهانی باشد.	رفاه بیشتر مردم
کریس ابوت ۲۰۰۸	امنیت پایدار نباید فقط به کنترل پیامدهای ناامنی پرداخت، بلکه باید به حل و فصل و رفع علل ناامنی هم توجه کرد و علل را از بین برد تا امنیت پایدار برقرار شود. در این نظر عدالت جهانی و عدل و انصاف نیازهای کلیدی استقرار امنیت پایدارند.	عدالت جهانی
دیوید چاندلر ۲۰۰۷	امنیت پایدار، به گزاره های تثبیت امنیت در بعد فراملی، نقش و نوع رابطه دولتهای قدرتمند و ناکام، پیامدهای گسترده و فراگیر تصمیم گیری سیاستمداران و فقدان چارچوب های سیاستگذاری مشخص در عصر کنونی، اشاره می کند.	فراملی و دولت ها
پورسعید، ۱۳۹۲	امنیت پایدار آن نوع از امنیت است که توانمندی جوامع را برای پیشگیری یا دفاع در برابر تهدیدات متوجه دولت ملی ارتقاء دهد؛ ناامنی عمیق انسانی را در سراسر جهان کاهش داده و تهدیدات بلند مدتی را که متوجه امنیت جهانی است، مدیریت کند. به این معنا، امنیت پایدار، تلفیقی از سه مفهوم امنیت ملی، امنیت انسانی و امنیت جهانی است و بر آن است تا امنیت دولت ها را حفظ کند؛ بدون آنکه امنیت مردم را به خطر اندازد و بدون آن که تهدیداتی را که متوجه امنیت جهانی است همچون ایدز، تهدیدات زیست محیطی، تروریسم و جنایات سازمان یافته را تشدید کند.	امنیت ملی، امنیت انسانی و امنیت جهانی
فاتحی ۱۳۹۱	امنیت پایدار شامل حفظ محیط زیست، رعایت حقوق مردم و آزادی های فردی و امنیت روانی می شود. هدف اصلی از رویکرد پایدار به امنیت ملی، امنیت مردم است و امنیت حاکمیت از آن جهت مورد تاکید واقع می شود که زمینه ای برای برقراری امنیت مردم شود. در امنیت پایدار، امنیت حاکمیت و امنیت مردم دو روی یک سکه اند و راهبردهایی توصیه می شود که بتواند در بلند مدت امنیت حاکمیت مردم را تامین کند.	امنیت ملی، امنیت مردم

از مجموع تعاریف فوق شاید بتوان به این نتیجه رسید که در امنیت پایدار بر خلاف تفکرات گذشته ایجاد امنیت به معنای فقدان تهدید نیست بلکه احساس ایمنی و آرامشی است که هم از نبود یا کاهش تهدید حاصل می شود و هم از وجود فرصت هایی برای ایجاد و پرورش اخلاق و فضایل انسانی. به عبارت دقیق تر در پارادایم «امنیت پایدار» اولاً امنیت انسانی نقش زیر بنایی و اساسی دارد و ثانیاً امنیت انسانی منحصر به یک یا دو بعد خاص جسمی یا روانی نیست بلکه در بردارنده چهار بعد مهم است: اول فقدان تهدید برای بقاء انسان، دوم وجود فرصت های لازم برای رفع نیازهای متنوع انسانی، سوم فقدان آسیب پذیری در ابعاد مختلف اقتصادی، محیطی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و در نهایت چهارم وجود زمینه های لازم برای افزایش عزت نفس و ارزشهای انسانی وجود دارد. علاوه بر این، امنیت پایدار دارای بیشترین دایره شمولیت می باشد؛ بر این اساس امنیت پایدار عبارتست از امنیت برای همه (فرد، دولت، محیط زیست)، در تمام سطوح (امنیت وجودی، رفاهی و معناگرا)، در همه ابعاد (اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی ...)، با مشارکت همه، در همه فضاها، در طی زمان، با رویکرد ایجابی (فرصت سازی ...)، پیشگیرانه و اولویت روش های مسالمت آمیز (گفتگو، اقتناع) و...

در نظریات امنیت پایدار، کیفیت زندگی، محور کانونی مباحث قلمداد شده و این مفهوم، متضمن حاکمیت شرایطی است که در چهارچوب آن، دولتها به حقوق شهروندی احترام بگذارند. از این منظر، امنیت انسانی از مهم ترین مولفه ها برای رسیدن به درجات قابل اتکالی از آن است. از این رو توسعه و پایداری امنیت نتیجه کاهش فقر، بیکاری و برابری شهروندان است و فقدان وجود مولفه های امنیت پایدار سبب ناامنی و ناامنی منجر به توسعه نیافتگی و بی ثباتی در جامعه خواهد شد (عباسزاده

و کرمی، ۱۳۹۰:۳۹). برخی دیگر از نظریات امنیت پایدار، همانطور که دیوید چاندلر بیان می کند، به گزاره های تثبیت امنیت در بعد فراملی، نقش و نوع رابطه دولتهای قدرتمند و ناکام، پیامدهای گسترده و فراگیر تصمیم گیری سیاستمداران و فقدان چارچوب های سیاستگذاری مشخص در عصر کنونی، اشاره می شوند (Chandler, 2007: 364-365).
با توجه به نظریات گوناگونی که در حوزه امنیت دارد، درون هر کدام از این مکاتب و نظریات، ویژگی پایداری امنیت با نظر به مؤلفه های کلیدی هستی شناختی و معرفت شناختی به طریق خاص تعریف و عملیاتی می شود. در این بین، به صورت کلی می توان الگوهای موجود امنیت پایدار برآمده از این نظریات را تقسیم کرد که شامل ۴ الگوی "متعادل محور" و "انسجام محور"، "تناسب محور"، "قدرت محور" می شود (زرقانی، ۱۳۹۸: ۵۳) که جدول ذیل الگوهای امنیت پایدار را به صورت خلاصه با هم مقایسه می کند.

جدول ۲: الگوهای امنیت پایدار

ارکان الگو	ابزار	نگرش به امنیت	وجه امنیت	مفهوم اساسی	مبانی و ریشه	مولفه ها
						الگوها
قدرت، باردارندگیف همزمن، تبعیت	قدرت نظامی	بیرونی، عینی، سلبی	نظامی گری	قدرت	واقع گرایی	قدرت محور
توسعهف تناسب، ابعاد امنیت	توسعه	عینی، سلبی، تهدید محور	تعدد ابعاد امنیت	تناسب در ابعاد امنیت	فرسنتی	تناسب محور
هویت، انسجام، رضایت، امنیت اجتماعی شده، نهادمندی	انسجام هویتی	درونی، ایجابی	نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، زیست محیطی	انسجام اجتماعی	کپنهاک	انسجام محور
توحید، ایمان، تربیت، تعادل و مشروعیت	تربیت دینی	درونی و ایجابی	جامع البعاد	تعادل اجتماعی	اسلام	تعادل محور

(باقری و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۶)

۲-۲. امنیت مرزها

مرزهای بین المللی به عنوان اولین سطح برخورد و نقطه تماس بین دو یا چند حکومت و حاکمیت مستقل محسوب می شوند و از اینرو امنیت ملی یک کشور تا حد زیادی به امنیت مرزهای آن حکومتها می باشند و حساسیت امنیت مرزی بدین علت است که امنیت مرزها پشتوانه محکم برای امنیت انسانی با ابعاد متنوعش در داخل کشور است و هر گونه ناامنی در مرز قادر است در سیستم های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی کشور اختلال ایجاد نماید. در مقابل، امنیت مطلوب قادر است در حد خود در امنیت مرزی و داخلی کشور سهم بسیار برجسته ای را به خود اختصاص دهد (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۱۹).
متغیرهای مؤثر بر امنیت مرز متناسب با تفاوت های فضایی موجود در مناطق مختلف کشورها و همچنین کشور همسایه، متعدد و متنوع است. شاید از همین روست که همچنان استقرار امنیت پایدار در مرز و مناطق مرزی، به دغدغه اصلی بسیاری از کشورها در مناطق مختلف جهان تبدیل شده است. به اعتقاد صاحب نظران در بین کشورهای جهان، تنها دولت های معدودی مانند اتحاد جماهیر شوروی سابق، اسرائیل، یوگسلاوی در زمان تیتو، کوبا و چند دولت اروپایی و آمریکای شمالی، قادر به ایجاد سیستم و مدیریت نسبتاً مؤثر برای اداره مرزهایشان شده اند و بسیاری از کشورهای دیگر از جمله دولت های ایران از عهده ی تهیه و تنظیم سازوکاری مناسب و کارآمد برای کنترل و اداره ی مؤثر مرزهای کشور بر نیامده اند (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۲۲۱). این امر به دلیل آن است که، مدیریت بهینه و کنترل مؤثر مرزها نیاز به شناخت دقیق شرایط و ویژگیهای مختلف منطقه در دو سوی مرز، تدوین راهبردهای علمی و کاربردی جامع، بودجه کافی بابت هزینه های سنگین، سامانه های

کنترلی منطبق بر نوع مرز، نیروهای سازمان یافته‌ی ویژه‌ی مرزی، تفاهم و همکاری مؤثر دولت‌های همسایه، حمایت سازمان‌های رسمی بین‌المللی و ... دارد

۲-۳. اقتصاد پایدار

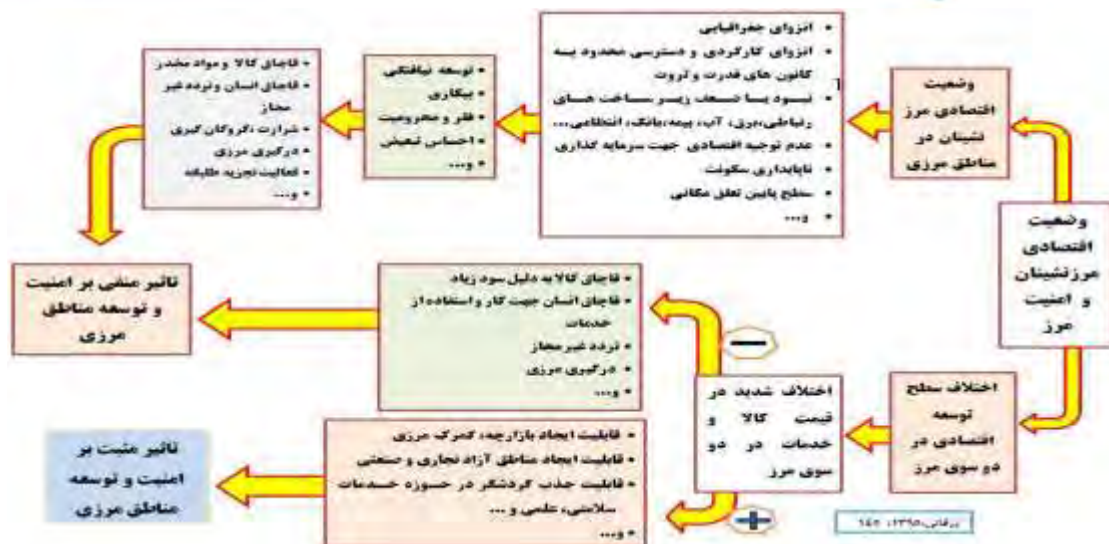
در بعد اقتصادی می‌توان پایداری را در ایجاد رشد عادلانه و متوازن جامعه انسانی و تضمین بهره‌مندی تک‌تک انسانها در طول زمان بدون وارد آوردن خدشه به منابع زیستی، طبیعی و فرهنگی تعریف نمود (جعفریان و همکاران، ۱۳۸۵: ۵).
براین اساس پایداری اقتصادی بنیانی در طرز تفکر بهره‌وری تلقی می‌شود که در پی دستیابی به دو هدف اصلی در استفاده از منابع کمیاب است: ارضای نیازها و خواسته‌های فردی انسانها؛ عدالت بین انسانها و نسلهای حال و آینده و عدالت نسبت به طبیعت به منظور تنظیم روابط انسان و طبیعت در دوره زمانی دراز مدت و نامشخص (Baumgärtner & Quaas, 2010: 447).
و پایداری اقتصادی، به معنی تقویت نظام اقتصادی و دست‌یابی به امنیت اقتصادی از منظر دست‌یابی به معیشت پایدار در امور مستمر و با ثبات، اشتغال سودمند و منابع مالی قابل اتکای و در نهایت، فن‌آوری مقتضی و همساز با محیط با بهره‌برداری از منابع انسانی است. سیستم اقتصادی پایدار باید قادر به تولید کال و خدمات در دراز مدت باشد، تا سطح کنترل دولت و بدهی‌های خارجی را حفظ کند و از عدم توازن شدید بخشی که به تولید صنعتی و کشاورزی آسیب می‌رساند جلوگیری نماید (Harris, 2000: 5) و نیز اقتصاد پایدار به تداوم تحلیل فضایی پایداری اقتصادی ... و پایداری تولید و درآمد و مقاومت در برابر چالشهای اقتصادی، اجتماعی و طبیعی اشاره دارد (شاپان و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۳).

۳. روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با مراجعه به منابع معتبر درصد بررسی این مسئله است که وضعیت اقتصادی مرزنشینان و مناطق مرزی چه ارتباطی با استقرار امنیت پایدار در مناطق مرزی دارد؟ به تعبیری دقیق تر، بعد اقتصادی مناطق مرزی چه ویژگی‌ها و بسترهای منحصر به فردی دارند که در استقرار امنیت پایدار بایستی مورد توجه قرار گیرد. مفروض این پژوهش آن است که بررسی اقتصاد مناطق مرزی علاوه بر وضعیت اقتصادی مرزنشینان باید وضعیت توسعه اقتصادی- اجتماعی در دوسوی مرز نیز مورد واکاوی قرار گیرد.

۴. یافته‌ها

در مورد متغیر اقتصاد مرزنشینان و تاثیر آن بر توسعه و امنیت مناطق مرزی، با دو موضوع و محور اساسی روبرو هستیم:
محور اول تاثیر وضعیت اقتصادی مرزنشینان بر امنیت و توسعه در مناطق مرزی است. در واقع در این بحث بدون توجه به وضعیت مناطق مرزی در کشور همسایه، وضعیت و شاخص‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی در مناطق مرزی داخل کشور و تاثیر آن بر امنیت و توسعه مرز مورد توجه است. محور دوم وضعیت توسعه اقتصادی- اجتماعی را در دو سوی مرز مد نظر قرار داده است و به عبارت دقیق تر به بررسی نقش و تاثیر اختلاف سطح توسعه در دو سوی مرز بر امنیت مرز و توسعه مناطق مرزی می‌پردازد.



شکل ۱: توسعه اقتصادی - اجتماعی مناطق مرزی و نقش آن در امنیت و توسعه مرزی

۴-۱. وضعیت توسعه و رفاه در مناطق مرزی

شاخص‌های توسعه و رفاه در مناطق مرزی و وضعیت اقتصادی مرزنشینان یکی از متغیرهای موثر بر امنیت پایدار مرز و کارکرد ارتباطی-امنیتی مرز محسوب می‌شود. در این زمینه، نگرش درون سیستمی مطرح است و بدون توجه به شرایط آن سوی مرز، ویژگی‌های اقتصادی منطقه مرزی و وضعیت اقتصادی مرزنشینان یک کشور به عنوان یک متغیر تاثیر گذار بر امنیت مرزی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مناطق مرزی در بیشتر کشورهای جهان به دلایل مختلف جزء مناطق محروم و غیر برخوردار به شمار می‌روند. به عقیده فیلیپ جونز و تریوروالد، مناطق مرزی اساساً به عنوان مناطق حاشیه‌ای و توسعه نیافته شناخته می‌شوند. این حاشیه‌ای بودن گرچه می‌تواند معلول شرایط جغرافیایی منطقه مرزی باشد، اما اساساً پدیده مرزی بودن، بسیاری از امکانات و قابلیت‌های آن منطقه را نیز: مضمحل می‌سازد (مشتاقی، ۱۳۸۵: ۵۸). بررسی انجام‌های شده در مناطق مرزی کشورهای مختلف، نشان از عدم تعادل‌های اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی میان مناطق مرزی و مرکزی کشورها دارد و حاشیه‌ای بودن این مناطق نسبت به مناطق مرکزی و داخلی علت اصلی عقب ماندگی نواحی مذکور است (مستکانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷۱).

در واقع، مناطق مرزی بیشتر کشورهای جهان حتی در مناطق توسعه یافته نسبت به مناطق داخلی از نظر شاخص‌های توسعه و رفاه در سطح پائین تری قرار دارند و این امر به دلیل ماهیت حاشیه‌ای بودن مناطق مرزی و دوری از مرکز جغرافیایی کشور و انزوای کارکردی این مناطق می‌باشد (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۵۹).

به طور طبیعی، محرومیت و توسعه نیافتگی مناطق مرزی در کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا از جمله ایران نیز با شدت بیشتری وجود دارد. موضوعی که به صراحت توسط مدیران کشور اکثر مناطق مرزی کشور دچار نیز بیان شده است. به گفته رحمانی فضلی وزیر کشور عقب افتادگی و توسعه نیافتگی هستند به طوری که بسیاری از شهرهای کوچک در سیستان و بلوچستان از لحاظ توسعه یافتگی در شرایط بدتری از این استان به سر می‌برند (ایرنا، ۱۳۹۶). برای تبیین بهتر موضوع، به نتایج برخی پژوهش‌ها که نشان دهنده محرومیت و توسعه نیافتگی مناطق مرزی به خصوص مناطق مرزی شرق کشور می‌باشد، به اختصار اشاره می‌شود.

جدول ۳: نتایج پژوهش‌هایی در رابطه با وضعیت مناطق مرزی

پژوهشگران	نتایج
احمدی	از نظر شاخص‌های حمل و نقل جاده‌ای، استان‌های مانند تهران، اصفهان، خوزستان در سطوح بالا و استان‌هایی

و همکاران، ۱۳۹۴	چون قم، چهار محال بختیاری، ایلام، کهگیلویه و بویر احمد، البرز و خراسان شمالی در پایین ترین رتبه قرار دارند. همچنین فاصله امتیازی زیاد سطوح بالا به نسبت سطوح میانی و پائین در بین استان ها نشان از عدم تعادل و توازن منطقه ای از لحاظ برخورداری از تاسیسات و تسهیلات حمل و نقل جاده ای کشور دارد.
دفتر بررسی های فنی اقتصادی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ۱۳۹۴	وضعیت استان های کشور بر اساس شاخص بین المللی توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات طی سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس این پژوهش، در تمام سال های مورد بررسی، استان هایی مانند تهران، مازندران، اصفهان و ... در رتبه های بالا و استان های مرزی کشور مانند خراسان جنوبی، کردستان، خراسان شمالی، آذربایجان غربی در رتبه های پایین قرار گرفته اند و استان مرزی سیستان و بلوچستان در رده آخر قرار گرفته است.
توکلی نیا و شالی ۱۳۹۲	در رتبه بندی استان های کشور بر اساس شاخص های پنج مولفه کالبدی و زیربنایی، اقتصادی، بهداشت و درمان، صنعتی و فرهنگی و اجتماعی به جز استان کهگیلویه و بویر احمد، تمامی استان های رتبه های آخر استان های مرزی چون سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی، کردستان، خراسان جنوبی، هرمزگان، ایلام و... هستند.
حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۰	در گزارش توسعه انسانی به تفکیک استان های کشور در سال ۱۳۸۵ استان سیستان و بلوچستان با ۰/۰۶۳، دارای پایین ترین سطح شاخص توسعه انسانی در میان سایر استان های کشور بوده است. همچنین استان های مرزی کردستان، آذربایجان غربی و خراسان شمالی در رتبه های بعدی توسعه نیافتگی قرار داشتند. مهمترین ویژگی استان های مرزی محروم کشور از نظر شاخص توسعه انسانی در خصوص شاخص درآمد است.
صادقی و همکاران، ۱۳۸۹	بررسی شاخص های توسعه انسانی در کشور در سه دوره زمانی ۱۳۸۴، ۱۳۸۰ و ۱۳۷۵ نشان می دهد، استان تهران بالاترین و استان های مرزی آذربایجان غربی، کردستان و سیستان و بلوچستان به ترتیب پایین ترین مقدار شاخص توسعه انسانی را در هر سه دوره مزبور داشته اند.
ضرابی و شاهی وندی، ۱۳۸۹	نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد اختلاف بسیاری بین استان های ایران از نظر درجه توسعه یافتگی اقتصادی وجود دارد؛ به طوری که استان هایی مانند تهران، اصفهان، خراسان رضوی توسعه یافته محسوب شده و در مقابل استان های عمدتاً مرزی مانند ایلام، سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، گلستان، کرمانشاه، کردستان و کهگیلویه و بویر احمد جزء مناطق محروم و کمتر توسعه یافته محسوب می شوند
کریمی پور، ۱۳۸۰	علاوه بر اینکه استان های مرزی نسبت به استان های داخل کشور محروم تر و توسعه نیافته تر هستند، در بین شهرستان های یک استان مرزی نیز تفاوت سطح برخورداری وجود دارد. بر این اساس، شهرستان های یک استان مرزی که در حاشیه مرز قرار دارند نسبت به شهرستان های دیگر همان استان محروم تر هستند. یافته های حاصل از تحقیقات انجام شده در خصوص مطالعه ی موردی خوزستان نشان می دهد، به غیر از مناطق آبادان و ماهشهر، دیگر مناطق مرزی استان از محروم ترین مناطق کشور به شمار می روند.

۲-۴. علل و زمینه های توسعه نیافتگی مناطق مرزی

اساساً یکی از ویژگی های اصلی مناطق مرزی، در اکثر کشورهای دنیا توسعه نیافتگی و وضعیت نامناسب اقتصادی است. در یک نگرش کلی می توان سه فاکتور اصلی را در این زمینه معرفی کرد:

۱. دوری از مرکز

یکی از ویژگی های اصلی مناطق مرزی، دوری از مرکز کشور است. این مساله جغرافیایی که از طبیعت مناطق مرزی نشأت می گیرد، پیامدهای نامطلوبی برای مناطق مرزی به ویژه در بعد اقتصادی به همراه دارد. مهم ترین پیامدهای آن ضعف اطلاع مسئولین مرکز نشین از مشکلات مناطق دور از مرکز و عدم توجه به آن ها به دلیل دوری از مرکز تصمیم گیری سیاسی، اداری، قضایی و اجرایی است. طولانی بودن مسیر رفت و برگشت، عدم احساس امنیت قضایی و اجتماعی به دلیل طولانی شدن فرایند تصمیم گیری و عدم رسیدگی به مشکلات و مسائل مردم دور از مرکز و ... از تبعات این امر می باشد.

فرایند تکرار عدم رسیدگی و عدم احساس امنیت در ابعاد گوناگون آن در مناطق دوزخ مرکز، در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به گونه ای است که این مناطق عدم تعادل شدیدی را نسبت به مناطق مرکزی پیدا کرده و به شدت در محرومیت باقی مانده اند. پدیده ی دوری از مرکز در مناطق مرزی ایران نیز پیامدهای منفی چندی را به نمایش گذاشته است. چنانچه محروم ترین استان های کشور، دور ترین آن ها از پایتخت است.

۲. انزوای جغرافیایی

حاشیه ای بودن به مفهوم دوری و جدایی از ساختار اقتصادی یک کشور یا یک منطقه و یا حتی از نظام اقتصادی جهان است. در این صورت با سه سطح شامل: نقاط حاشیه ای، مناطق حاشیه ای و یا کشورهای حاشیه ای مواجه هستیم که جملگی از نظر درجه ی توسعه از دیگر مناطق یا مراکز اقتصادی هم عرض عقب ترند. پدیده حاشیه ای بودن، بیش تر دارای ماهیتی اقتصادی است و با پدیده های جغرافیایی دوری از مرکز مشترکات فراوانی دارد. در اغلب کشورهای در حال توسعه از جمله در ایران پدیده حاشیه ای بودن بر پدیده دوری از مرکز تا حدود زیادی منطبق است. انطباق پدیده حاشیه ای بودن با دوری از مرکز در ایران اغلب به این دلیل است که مرزها در ایران و در بیش تر کشورهای مشابه، به طور تقریبی از نقاط جغرافیایی دوردست که دارای منابع کمتر اقتصادی و جمعیت پراکنده می باشند عبور داده شده است. همین امر باعث گردیده در فرآیندهای بعدی توسعه ی آن مناطق، به دلیل کم توجهی و عدم صرفه ی اقتصادی در بهره برداری از منابع محدود، آن ها از دیگر مناطق عقب تر بمانند. به عبارت دیگر، غالب مناطق مرزی در هنگام ترسیم حدود، کم اهمیت ترین آن ها انتخاب می شوند تا کم تر محل نزاع باشند، مگر اینکه پس از آن منابع جدیدی کشف شده یا بر اثر اتفاقات دیگر بر اهمیت آن ها افزوده شود. که در این صورت منازعات مرزی شروع می شود. برای مثال، نزاع های مرزی بر سر مناطق نفتی بین عراق، کویت و عربستان سعودی است.

۳. ناپایداری سکونت

یکی دیگر از ویژگی های مناطق مرزی داشتن جمعیت ناپایدار و ناپایداری سکونت است که تاثیر مستقیمی بر توسعه نیافتگی این مناطق دارد. دلیل اصلی ناپایداری سکونت و مهاجرت وسیع جمعیت از این مناطق توسعه نیافتگی و حاشیه ای بودن این مناطق است. هچنانکه در نقشه زیر مشهود است، تقریباً از تمامی استان ها مرزی جریان مهاجرت به سوی پایتخت صورت گرفته است. این موضوع نشان می دهد، فقدان بسترهای مناسب زیست در شهرستان های مرزی از یکسو و فراهم بودن امکانات و زمینه های مناسب در تهران باعث مهاجرت تعداد زیادی از مرزنشینان به شهر تهران شده است. اساساً بیشتر خطوط مرزی در جهان به ویژه در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه از راس الخط کوه ها، پهنه ی بیابان ها و مناطق نامساعد طبیعی عبور داده شده اند. این امر باعث تاثیر گذاری شرایط جغرافیایی بر نحوه ی استقرار و جابجایی جمعیت شده است. از این رو، مناطق مرزی به طور عمده مناطق توسعه نیافته و زندگی در آن ها به شیوه های اولیه و به ویژه متکی بر اقتصاد رمة گردانی همراه با کوچ روی همراه است. این امر، احساس تعلق به زمین و سرزمین را در بین مرزنشینان کاهش می دهد. که خود، منشاء مشکلات و پیاپی مدهای ناشی از بی ثباتی توسعه ی اقتصادی به دلیل بی ثباتی جمعیت می گردد. در مراحل بعدی، به ویژه در شرایطی که مرزها محل ناآرامی های نظامی، امنیتی و سیاسی باشد، جمعیت به تدریج از مناطق مرزی به محل های امن تری کوچ می کند و بار دیگر تراکم جمعیت در مناطق مرزی کم تر و ناپایداری جمعیت بیش تر می گردد. این پدیده در مرزهای ایران در مناطق مرزی غرب شوش، دشت آزادگان و شمال آبادان، و همچنین به شدت در مرز مشترک با کشورهای افغانستان و پاکستان مشهود است (عندلیب، ۱۳۸۰: ۲۰۴).

محرومیت در بیشتر مناطق مرزی ایران عمدتاً ناشی از محدودیت های محیطی از یکسو و سیاست ها و برنامه های توسعه از سوی دیگر است. به عبارت دقیق تر، کشور ایران با توجه به اینکه کالبد طبیعی سرزمین آن با ارائه توانایی های بالقوه موضعی، حاوی اختلافات بس عمیق در زمینه بازدهی محیط است، از این رو این اختلافات و ناهمگونی در سطوح محیطی، خود موجب گسیختگی عمیقی در زمینه توزیع فضایی جمعیت و فعالیت شده و فضاهای خالی و پرتراکمی را ایجاد می کند. به

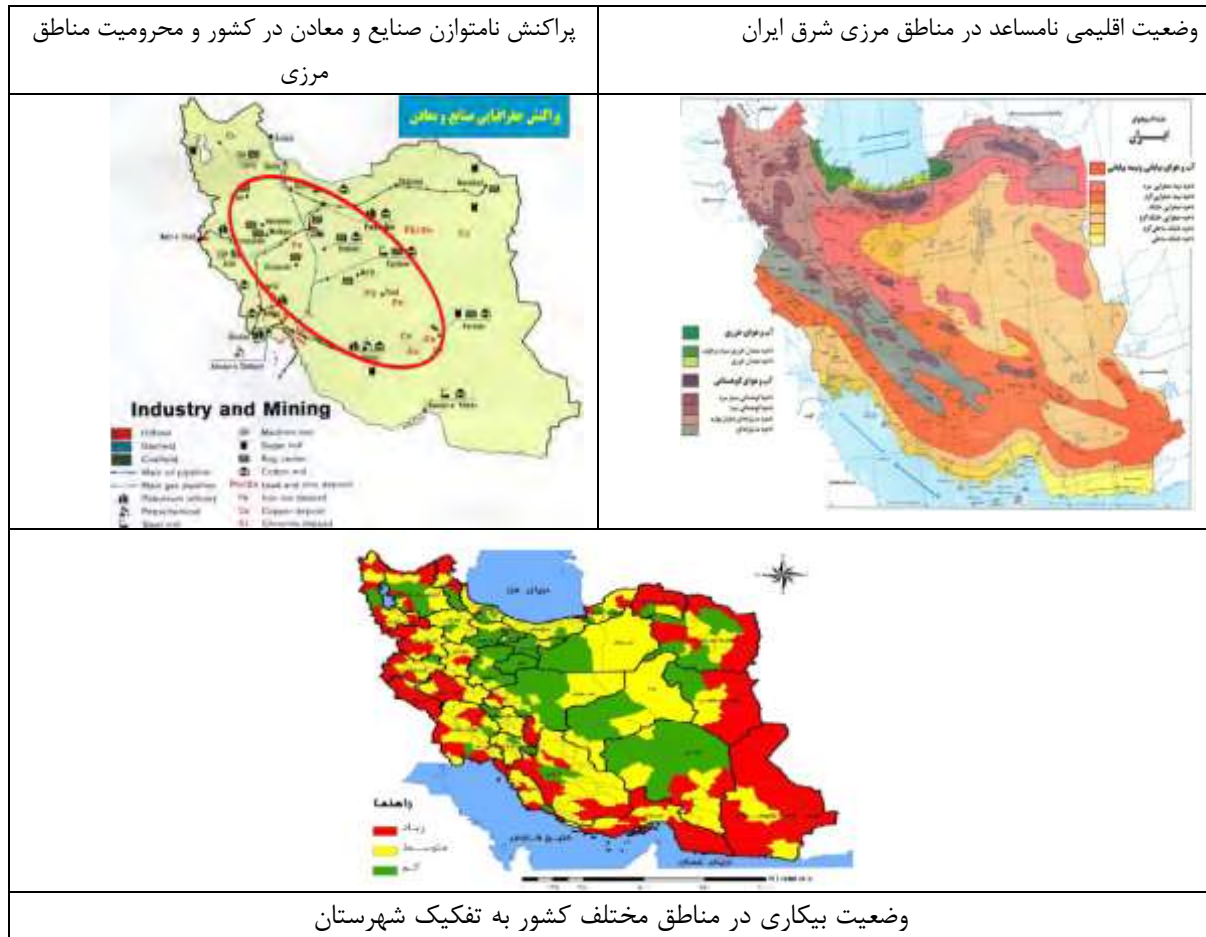
ویژه آنکه، بخش وسیعی از سرزمین ایران در مناطقی قرار دارد که با توجه به خست و خشونت طبیعت، بازده آبی و صرفه اقتصادی را برآورده نمی‌کند (سرور و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۵). علاوه بر آن تمرکزگرایی در سیاست‌های رشد و توسعه اقتصادی، نابرابری‌های منطقه‌ای را در کشور به دنبال داشته است. که از دید تئوریک، این نابرابری باعث بهره‌گیری نامتناسب از فضا، جابجایی نیروی انسانی و سرمایه، مهاجرت و افزایش شکاف میان مناطق برخوردار و محروم شده است. هر چند نابرابری‌های فضایی در درجه نخست به قابلیت‌های فیزیکی و ذاتی مناطق بستگی دارد اما نظام اقتصادی، شیوه تولید و مبادله و چگونگی سرمایه‌گذاری‌ها سبب می‌شود تا از قابلیت‌های محدود نیز درست استفاده نشود (یاسوری، ۱۳۸۴: ۲۱۱).

۴-۳. محرومیت و توسعه نیافتگی مناطق مرزی و نقش آن در امنیت مرزی

فقر و نابرابری‌های موجود در هر جامعه‌ای نه تنها باعث بروز بحران می‌شود بلکه بر اساس سلسله‌ای از روابط علت و معلولی، زمینه بروز بحران‌هایی از قبیل بحران مهاجرت، حاشیه‌نشینی، بحران آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی از قبیل بحران طلاق، اعتیاد، بزهکاری، فحشا، قتل، خشونت و انواع جرایم دیگر را فراهم می‌آورد (قربان‌نیا، ۱۳۸۹).

بیشتر پژوهش‌های انجام شده در کشورهای مختلف جهان وجود همبستگی مثبت بین فقر و بحران‌های اقتصادی و افزایش بعضی از گونه‌های تبهکاری مانند سرقت کاملاً تایید شده است. بی‌شک توسعه نیافتگی، وجود فقر و محرومیت‌های شدید اقتصادی و میزان بالای بیکاری در مناطق مرزی در افزایش عبور غیر مجاز افراد، قاچاق کالا، قاچاق مواد مخدر، شرارت و سایر اموری که محل امنیت مرز محسوب می‌شوند، تاثیر بسیار زیادی دارد. براساس تحقیقات انجام شده، امنیت و توسعه در مناطق مرزی با ضریب همبستگی بالا دارای رابطه‌ای مستقیم و دوسویه با یکدیگر می‌باشد. به عبارت دیگر توسعه و امنیت، تاثیرات متقابلی در مناطق مرزی بر هم دارند، به گونه‌ای که هر اقدامی در فرایند تحقق توسعه که منجر به بهبود شرایط شغلی و کسب و کار می‌شود؛ تاثیرات مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت می‌گذارد و بالعکس. به این ترتیب مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته‌تر برخوردارند (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۹۶). استان‌های مرزی شرق کشور علاوه بر اینکه همانند تمام استان‌های مرزی به دلیل دوری از کانون‌های قدرت و ثروت از محرومیت رنج می‌برند، به دلیل شرایط نابسامان طبیعی به ویژه بارش کم، خاک نامناسب، تبخیر شدید، هوای گرم و خشک، خشکسالی‌های طولانی از محرومیت مضاعفی برخوردار هستند. به عنوان نمونه همچنانکه در نقشه زیر مشهود است، یکی از مهمترین شاخص‌های زیست‌پذیری یعنی اقلیم در مناطق مرزی کشور به ویژه در مناطق مرزی شرق کشور وضعیت نامناسبی دارد. در چنین شرایطی، عدم وجود شرائط طبیعی مناسب از جمله بارندگی کم، تبخیر زیاد، خاک شور و قلیایی، ماسه زار و شنزار بودن زمین و وجود مراتع بسیار فقیر و مهمتر از همه قرار گرفتن در قلمرو آب و هوای بیابانی و نیمه بیابانی و به ویژه وقوع خشکسالی‌های مداوم، عملاً کشاورزی و دامداری را به عنوان تنها وسیله امرار معاش روستائیان به شدت محدود ساخته است. از سوی دیگر عدم توجه کافی به مناطق مرزی برای اجرای طرح‌های صنعتی اشتغال‌زا، باعث تشدید وضعیت و خیم اقتصادی و بیکاری در این مناطق شده است. در چنین شرایطی بدون اینکه بخواهیم قاچاق کالا، سوخت، مواد مخدر، شرارت و ... را توجیه کنیم این سوال مطرح می‌شود که مرزنشینان در حالیکه با محدودیت‌های شدید زیستی از یکسو و سطح نازل شاخص‌های توسعه از سوی دیگر مواجه هستند به چه فعالیت اقتصادی سالمی مشغول شوند؟ علاوه بر شرایط نامساعد زیستی در مناطق مرزی به ویژه در شرق کشور، همچنانکه ذکر شد در مورد سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال در بخش‌های مختلف صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدماتی نیز مناطق مرزی با محرومیت مضاعف روبرو هستند. همچنانکه در نقشه زیر مشخص است، پراکنش جغرافیایی صنایع و معادن عمدتاً در ایران مرکزی قرار دارد و مناطق مرزی کشور از این حیث وضعیت نامناسبی ندارند. البته با وجود ضعف زیرساخت‌های بخش‌های مختلف حمل و نقل و ارتباطات، شبکه برق، گاز، و ... در مناطق مرزی این وضعیت قابل پیش‌بینی است. علیرغم اینکه برخی مناطق مرزی دارای قابلیت‌های عظیمی برای اشتغال در بخش معدن، صنایع، گردشگری و ... هستند. به عنوان نمونه شهر مرزی و کوچک خواف در استان خراسان رضوی از حیث آثار و ابنیه

تاریخی و فرهنگی دارای تنوع منحصر بفردی است اما هنوز فاقد امکانات و بستر های اولیه شبکه ارتباطی و اقامتی جهت بارور کردن قابلیت های گردشگری آن است.

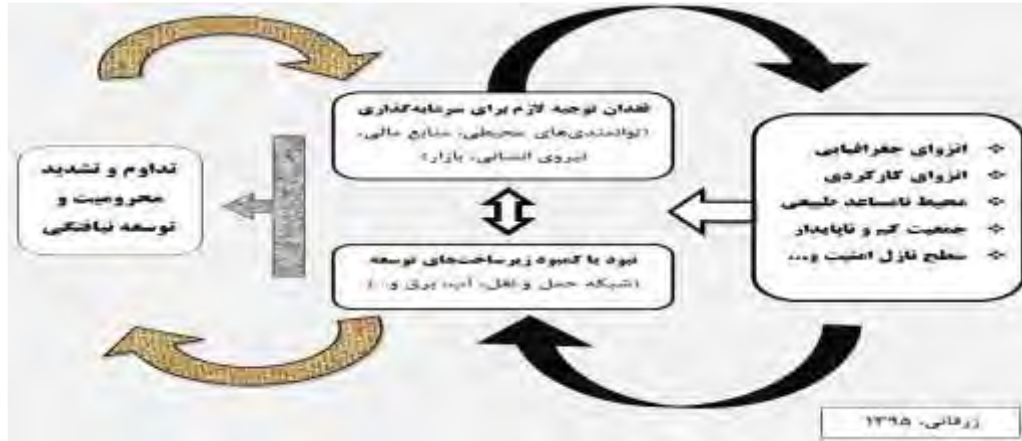


شکل ۲: مجموعه نقشه های وضعیت اقلیمی، صنعتی و بیکاری مناطق مرزی کشور ایران منبع: زرکانی، ۱۳۹۸: ۲۴۵

نتیجه شرایط نامساعد طبیعی همچون کمبود بارش، آب و هوا و خاک نامناسب از یکسو و فقدان زیرساخت های توسعه صنعتی، معدنی و خدماتی از سوی دیگر موجب شده است اکثر مناطق مرزی کشور به ویژه در شرق با معضل بیکاری مواجه باشند. همچنانکه در نقشه وضعیت بیکاری مشخص است، نرخ بیکاری در اکثر شهرستان های مرزی نسبت به مناطق داخل کشور در حد بالایی است و شهرستان های بالاترین جمعیت بیکار به صورت نواری باریک پیرامون کشور و در مناطق مرزی قرار گرفته است.

لازم به ذکر است با وجود تاثیر مستقیم و معنادار فقر و توسعه نیافتگی بر وقوع جرم و اقدامات مخل امنیت مرز، مجموعه شرایط در این مناطق به گونه ای است که امکان تغییر و تحول اساسی در شاخص های توسعه در مناطق مرزی در کوتاه مدت عملا غیر ممکن است. به عبارت دقیق تر و همچنانکه در نمودار زیر مشخص است ما در مناطق مرزی در مواجهه با چرخه باطلی قرار داریم که خروجی آن تشدید فقر و نابرابری در مناطق مرزی است. بدین ترتیب مجموعه ویژگی های نسبتا مشابه مناطق مرزی ایران به خصوص در نیمه شرقی و جنوبی یعنی محیط نامساعد طبیعی و شرایط سخت اقلیمی در کنار انزوای جغرافیایی و کارکردی این مناطق و به ویژه جمعیت کم و ناپایدار مناطق مرزی، در مجموع وضعیت را به گونه ای ترسیم می کند که از منظر منطق اقتصادی و تحلیل هزینه فایده اساسا هرگونه سرمایه گذاری وسیع در این مناطق فاقد توجیه اقتصادی است، غیرمنطقی به نظر می رسد. فقدان سرمایه گذاری، فرایند توسعه مناطق مرزی را با چالشی اساسی روبرو می کند. بدین

ترتیب این مناطق از «ضعف زیرساخت ها و زیر بناهای توسعه» تحت عنوان نظر شاخص هایی چون شبکه حمل و نقل و زیرساخت های لازم در بخش آب، برق، فناوری اطلاعات، خدمات بانکی و بیمه ای و ... در وضعیت نامناسبی به سر می برند که خود این امر از موانع دیگر سرمایه گذاری محسوب می شود. نبود یا کمبود سرمایه گذاری و ضعف زیرساخت ها منجر به تداوم و تشدید فقر و توسعه نیافتگی می شود. در ادامه این چرخه باطل، محرومیت و توسعه نیافتگی باز منجر بر تشدید انزوای کارکردی، ناپایداری جمعیت، کاهش احساس تعلق مکانی و مهاجرت شده که این عوامل خود از موانع اصلی جذب سرمایه و توسعه زیرساخت ها محسوب می شود.



شکل ۴: مدل بازتولید فقر و توسعه نیافتگی در مناطق مرزی

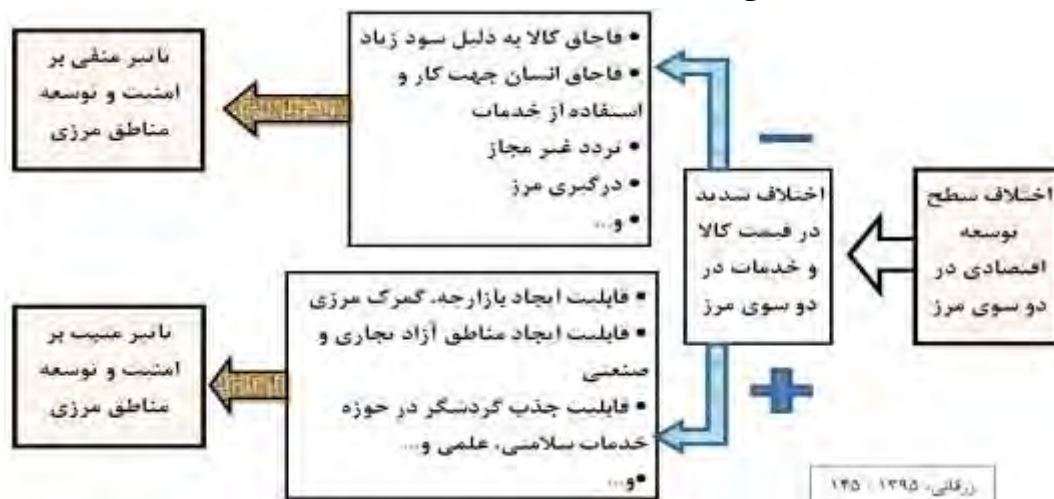
نتایج برخی پژوهش ها و گزارشات نشان می دهد، فقر، محرومیت و توسعه نیافتگی مناطق مرزی علاوه بر اینکه موجب درگیر شدن مرزنشینان در قاچاق کالا و مواد مخدر، تردد غیر مجاز، قاچاق انسان، شرارت و ... می شود، زمینه را برای گروهک های تجزیه طلب و تروریستی معاند نظام فراهم می کند تا از این شرایط سوء استفاده کرده و موجب جذب برخی مرزنشینان به ویژه جوان ها در این گروه ها شوند. نکته ای که به صراحت در اعترافات عبدالملک ریگی، رهبر جنبش جندالله به آن اذعان شده است و همچنین در گروهک تروریستی پژاک در مرزهای غربی هم قابل ردیابی است. نمودار زیر رابطه فقر و توسعه نیافتگی مناطق مرزی را با تهدید واگرایی، تجزیه طلبی و فعالیت در گروه های تروریستی را نشان می دهد.



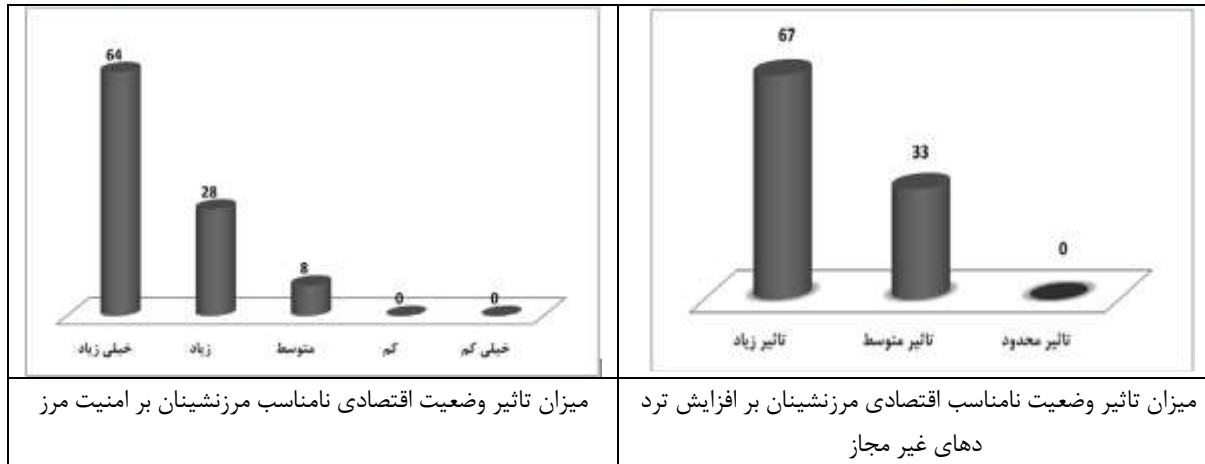
شکل ۵: رابطه فقر و توسعه نیافتگی مناطق مرزی با تشدید واگرایی و تجزیه طلبی

۴-۴ اختلاف سطح توسعه در دو سوی مرز و نقش آن در امنیت مرزی

اختلاف سطح توسعه و رفاه اقتصادی و همچنین تفاوت فاحش درآمد و قیمت کالاها و خدمات در دو سوی مرز متغیر دیگری است که غالباً تأثیر منفی بر امنیت و توسعه مناطق مرزی دارد. مدل زیر به تبیین تأثیرگذاری غالب و تأثیر محدود اختلاف سطح توسعه در دو سوی مرز بر امنیت و توسعه مناطق مرزی در دو کشور همجوار می‌پردازد. همچنان که در مدل مشهود است، اختلاف سطح توسعه در دو سوی مرز عمدتاً منجر به اختلاف قابل توجه در قیمت کالاها و خدمات در دو سوی مرز می‌گردد. در این وضعیت، قاچاق کالا غالباً سود فراوانی برای قاچاقچیان به همراه دارد. علاوه بر این، تعداد زیادی از مرزنشینان در کشور همسایه جهت اشتغال در بازار کار و استفاده از خدمات بهتر اقتصادی، اجتماعی در کشور همسایه به طور غیر قانونی از مرز عبور کرده و به صورت غیر قانونی هم در آنجا اقامت می‌کنند. نیروی های مرزبانی کشورها ناچارند در راستای وظایف و مسئولیت های سازمانی خود با قاچاق کالا، قاچاق انسان و تردد غیر مجاز برخورد نمایند و در اینصورت درگیری ها و تنش های مرزی بروز می کند و این امر منجر به امنیتی شدن فضا می گردد. این عوامل در مجموع موجب تضعیف امنیت و توسعه در مناطق مرزی می شوند.



نتایج برخی پژوهش ها در کشورهای مختلف نشان می دهد وجود اختلاف فراوان در قدرت اقتصادی دو کشور همسایه که منجر به تفاوت قابل توجه قیمت کالا، خدمات، تسهیلات و بازار کالا در دوسوی مرز می گردد، باعث می شود تا اغلب اتباع کشوری که از توان اقتصادی ضعیف تری برخوردار هستند، اقدام به قاچاق کالا و یا تردد غیر قانونی از مرز به منظور استفاده از بازار کار و همچنین استفاده از خدمات و تسهیلات موجود در آنسوی مرز نمایند. تردد غیر قانونی اتباع کشورهای آسیایی به اروپا و استرالیا و قاره اروپا، تردد غیر قانونی اتباع افغانستانی و پاکستانی به ایران، تردد غیر قانونی اتباع کشورهای آسیایی به اروپا و استرالیا و همچنین تردد غیر قانونی اتباع کشورهای آمریکای مرکزی به ایالات متحده آمریکا مصادیق متعددی در این مورد محسوب می شوند. از نظر شهروندان به ترتیب اختلاف قیمت کالا در دو سوی مرز و سود مناسب اقتصادی دارای بالاترین و عوامل فرهنگی- اجتماعی دارای کمترین تأثیر بر گسترش قاچاق کالا هستند. نکته جالب اینکه، در شرایطی که سایر منابع درآمد در بخش های کشاورزی، صنعتی و خدماتی در این منطقه محدود است، قاچاق کالا به عنوان یک منبع درآمد پایدار تأثیر مثبتی بر وضعیت درآمدی، اشتغال (شغل های کاذب) و کاهش مهاجرت مرزنشینان داشته است. لازم به ذکر است، ضعف زیربنای تولیدی، فقر، بیکاری، بیسوادی و پایین بودن شاخص های توسعه از مهمترین ویژگی های مناطق مرزی جنوب شرق کشور است و در منطقه سراوان نیز این ویژگی ها عمومیت دارد. علاوه بر اینها، بن بست بودن و انزوای جغرافیایی شهرستان سراوان، بالا بودن نرخ بیکاری و مجاورت با مرز پاکستان موجب شده است قاچاق کالا به ویژه سوخت در حد بالایی در این منطقه رواج داشته بررسی عوامل موثر باشد (کریم زاده، ۱۳۹۵: ۲).



شکل ۷: وضعیت اقتصادی مرز نشینان منبع: لطفی، ۱۳۹۰: ۲۴۷

لازم به ذکر است در شرایطی که نظام های اقتصادی دو کشور مجاور متفاوت باشد و به خصوص نظام اقتصادی کشور هم مرز مروج فعالیت های ناسالم اقتصادی نظیر قاچاق کالا باشد و در صورتی که به دلیل نفوذ پذیر بودن مرز فعالیت های اقتصادی ناسالم نظیر قاچاق کالا، مواد مخدر، سلاح و ... در مناطق مرزی وجود داشته باشد، در دراز مدت این فعالیت ها منجر به کاهش فعالیت های سالم اقتصادی و رواج فعالیت های غیر قانونی خواهد شد. برای مثال، در مناطق مرزی مجاور افغانستان، به دلیل رواج قاچاق مواد مخدر و کالا، درآمد حاصل از مشاغل مربوط به مواد مخدر و قاچاق کالا، بسیار بیش تر از درآمد حاصل از فعالیت های مجاز و قانونی مانند کشاورزی، دامپروری، کارگری و خدماتی در آن مناطق است. از این رو، ملاحظه می گردد، تولید کشاورزی، دامداری و ... در آن مناطق مقرون به صرفه نیست و با اقبال روبرو نیست. این پدیده در مناطق مرزی به تدریج گسترش می یابد و در نهایت هر گونه فعالیت مولد و سرمایه گذاری بخش خصوصی و دولتی در آن مناطق را مورد تهدید قرار می دهد و نتایج آن را خنثی می سازد. در مقابل، به نظر می رسد وجود اختلاف قیمت کالا ها و خدمات در دو سوی مرز، در برخی موارد می تواند بر امنیت و توسعه مناطق مرزی (بیشتر ارتباط یکسویه) تاثیر مثبتی داشته باشد. بدین نحو که، قیمت های مناسب تر کالا ها و خدمات در منطقه مرزی یک کشور موجب می شود فعالیت های اقتصادی در قالب ایجاد گمرک، بازارچه های مرزی، مناطق آزاد تجاری - صنعتی و توسعه گردشگری به منظور استفاده از خدمات حوزه سلامت (گردشگری سلامت)، علمی (جذب دانشجویان و ...) در منطقه مرزی آن کشور برای مرز نشینان هر دو کشور دارای منافع اقتصادی باشد. در واقع وجود اختلاف سطح توسعه و به تبع آن اختلاف در قیمت کالا و خدمات در دو سوی مرز نه به عنوان یک تهدید که به عنوان یک فرصت نگریسته شود و بر اساس آن به جای قاچاق کالا و ... زمینه ایجاد مبادله کالا و تعامل اقتصادی فراهم شود. همچنین به جای قاچاق انسان و تردد و اقامت غیر مجاز مرز نشینان در کشور همسایه جهت اشتغال، با ایجاد مناطق آزاد صنعتی و تجاری و مدل هایی از این دست زمینه استفاده از نیروی کار این مرز نشینان فراهم گردد. علاوه بر اینکه ارائه خدمات بهداشتی، علمی، آموزشی و ... در مناطق مرزی یک کشور امکان جذب گردشگر حوزه سلامت، بهداشت، علمی - آموزشی و ... نیز فراهم گردد. به عنوان نمونه به نظر می رسد با توجه به بالا بودن سطح علمی دانشگاه های ایران در استان های مرزی، امکان ایجاد شعبه هایی از این دانشگاه ها در منطقه صفر مرزی با شرایط ویژه برای تردد مرز نشینان و اتباع کشور همسایه فراهم باشد. همچنانکه در استان های مرزی کشور ما شاهد ورود مرز نشینان جمهوری نخجوان آذربایجان به شهرهای مرزی شمال غرب ایران و مرز نشینان کرد عراقی به شهرهای مرزی غرب ایران و مرز نشینان کشور ترکمنستان به مشهد و ... به منظور خرید کالا یا استفاده از خدمات پزشکی هستیم.

۵. نتیجه گیری

امروزه مرزنشینان بیش از سایر مردم تحت تأثیر وضعیت مرزها هستند. هر تغییری در روابط بین الملل، خواه مبتنی بر تساهل و خواه مبتنی بر تهاجم بر زندگی روزمره و زیست جهان آن‌ها تأثیر می‌گذارد. همچنین اتخاذ هرگونه تصمیم سیاسی و اقتصادی در کشور خود، بر مرزنشینان بیش از مرکز نشینان تأثیرگذار است. یکی از برنامه‌ها برای بهبود معیشت مرزنشینان، پویایی اقتصادی نواحی مرزی است که به عنوان یک شاخص اصلی در برقراری ارتباط بین کشورهای همسایه و نیز بهبود امرار معاش مردم مرزنشین به‌شمار میرود بدین معنی که از این طریق مردم ساکن در نواحی مرزی کشورهای همسایه میتوانند در کنار هم و با یکدیگر از فرصتها و منابع مشترک استفاده نمایند و این امر میتواند منجر به دوستی و تفاهم طرفین، امنیت و رونق اقتصادی و توسعه، ایجاد فرصتهای شغلی و شکلگیری یک نوع مزیت نسبی در مناطق مرزی گردد.

این پژوهش با هدف بررسی ارتباط اقتصاد منطقه مرزی و امنیت پایدار در این مناطق دو محور را مورد توجه خود قرار داده است که نتایج در هر محور به شرح زیر می‌باشد:

محور اول تأثیر وضعیت اقتصادی مرزنشینان بر امنیت و توسعه در مناطق مرزی: در بررسی این محور به سه ایتام مهم وضعیت توسعه و رفاه در مناطق مرزی، زمینه‌های توسعه نیافتگی مناطق مرزی و محرومیت و توسعه نیافتگی مناطق مرزی و نقش آن در امنیت مرزی تأکید شده است که در نهایت می‌توان بیان کرد که سطح توسعه اقتصادی پایین در مناطق مرزی، محرومیت، شرایط خاص جغرافیایی (دوری از مرکز و انزوای جغرافیایی) و ناپایداری جمعیتی در مناطق مرزی تأثیرات عمیقی روی امنیت مناطق مرزی نیز می‌گذارد. ضعیف بودن احساس تعلق به زمین و سرزمین، امکان سوء استفاده از جمعیت مرزنشین توسط دشمن به صورت بکارگیری افرادی از آنان در عملیات خرابکارانه و یا عبور خرابکاران در پوشش های گوناگون و همچنین عبور اسلحه و اطلاعات در بسیاری از مناطق دیده شده است. مطالعات انجام شده در مورد مناطق مرزی استان خوزستان نیز موید آن است که ناامنی بر اثر ناپایداری جمعیت در مناطق غرب شوش و شمال خرمشهر چشمگیر است. به طور کلی اکثر مناطق مرزی کشور به ویژه مناطق مرزی شرقی از نظر ویژگی های طبیعی و شاخص های توسعه پایدار در وضعیت نامناسبی قرار دارند و در نتیجه بیکاری، فقر و توسعه نیافتگی نسبت به اکثر مناطق داخلی بیشتر است و پیامد این امر افزایش جرم و بزهکاری مانند قاچاق مواد مخدر، قاچاق کالا، تردد غیر مجاز قاچاق انسان، شرارت، گروگان گیری، فعالیت در باندهای مواد مخدر و گروهک های تروریستی و ... می‌باشد. (شکل شماره ۵)

محور دوم وضعیت توسعه اقتصادی - اجتماعی را در دو سوی مرز: که در بررسی این محور به اختلاف سطح توسعه در دو سوی مرز و نقش آن در امنیت مرزی تأکید شده است که نتایج نشان می‌دهد وجود اختلاف فراوان در قدرت اقتصادی دو کشور همسایه که منجر به تفاوت قابل توجه قیمت کالا، خدمات، تسهیلات و بازار کالا در دوسوی مرز می‌گردد که هم می‌تواند آثار منفی داشته باشد و هم آثار مثبت. (شکل شماره ۶)

با توجه به مباحث بخش یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که بین اقتصاد مناطق مرزی و مرزنشینان و امنیت پایدار در مناطق مرزی رابطه مستقیمی وجود دارد. این ارتباط را از دو سو می‌توان شرح داد: از یک سو یک جامعه مولد و بدور از فقر آمادگی لازم را برای صیانت از امنیت مرزها دارد و از سوی دیگر زیربنای اصلی تأمین اجتماعی بشر و رفع دغدغه های امنیتی و ایجاد احساس امنیت در توسعه اقتصادی در مناطق حساسی چون مناطق مرزی است.

راهبردهای اقتصادی جهت استقرار امنیت پایدار:

- توسعه صادرات و واردات به کشور و هدایت بهینه و قانونمند آن و توزیع ثروت، جمعیت و سرمایه های ملی در کل فضای سرزمینی کشور.
- تثبیت جمعیت در منطقه، ایجاد اشتغال، کاهش فقر و افزایش رونق اقتصادی و افزایش امنیت
- تقویت و افزایش روابط تجاری در سطوح منطقه ای، ملی و بین المللی و جلب مشارکت بخش های دولتی و خصوصی برای سرمایه گذاری بیشتر.
- افزایش سرمایه گذاری در حمل و نقل ریلی، زمینی و هوایی.

- استفاده از چرخ ترانزیتی جنوب شرقی و پل ارتباطی با آسیای مرکزی از طریق مکران و چابهار.

منابع

۱. احمدی، بهمن، دادگر، محمد، ربیعی، سجاد. (۱۳۹۴). سطح بندی میزان توسعه یافتگی استان های کشور بر مبنای شاخص های حمل و نقل، فصل نامه آمایش محیط شماره ۱۰. صص ۹۷-۷۵.
۲. باقری حسین عزیزموسوی، سیدعلیرضا، لطفی، مصطفی. (۱۳۹۳)، الگوی امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی، سال نهم، شماره ۳۲، صص ۵۱-۱۷.
۳. پورسعید، فرزاد. (۱۳۹۲)، فرهنگ توصیفی اصطلاحات امنیت، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. توکلی نیا، جمیله، شالی، محمد. (۱۳۹۱)، نابرابری های منطقه ای در ایران، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۵. صص ۱۵-۱.
۵. جعفریان، مزدک، فرید عبدالحسین پور. (۱۳۸۵)، پایداری شهری با نگاهی به ویژگی های شهرهای ایران، اولین همایش بین المللی شهر برتر، طرح برتر سازمان عمران شهرداری همدان.
۶. حاتمی نژاد، حسین، ابوبکری، طاهر؛ احمدی، افسانه و نایب زاده، فرشته. (۱۳۹۰). سنجش درجه توسعه یافتگی صنعتی در مناطق مرزی ایران (مطالعه موردی: شمال غرب کشور، پژوهش و برنامه ریزی شهری، دوره ۲، شماره ۶، صص ۱۸-۱.
۸. دفتر بررسی های فنی اقتصادی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، ۱۳۹۴
۹. زرقانی، سید هادی. (۱۳۸۰). تحلیلی بر کارکرد امنیتی مرز شرقی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۰. زرقانی، سید هادی. (۱۳۸۶). مقدمه ای بر شناخت مرزهای بین المللی، تهران: دانشگاه علوم انتظامی
۱۱. زرقانی، سید هادی. (۱۳۹۲)، تحلیل عوامل ژئوپلیتیکی موثر بر کارکرد امنیتی مرز، طرح پژوهشی مرکز مطالعات کاربردی فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی.
۱۲. زرقانی، سید هادی، بخشی، فاطمه. (۱۳۹۵)، بررسی و تحلیل متغیرهای موثر بر الگوی رفتاری قومیت ها، مجموعه مقالات هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران همدلی اقوام ایرانی، دانشگاه کردستان.
۱۳. زرقانی، سید هادی. (۱۳۹۸). درآمدی بر امنیت پایدار مرز و مناطق مرزی، انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران.
۱۴. سرور، رحیم، عشقی چهار برج، علی، علوی، سعیده. (۱۳۹۴). تحلیل فضایی شاخص های توسعه در راستای تحقق امنیت پایدار در مناطق مرزی (مورد مطالعه: شهرستان های مرزی کلان منطقه آذربایجان) پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، شماره ۱۲، صص ۵۴-۲۵.
۱۵. شایان، حمید، تقیلو، علی اکبر، خسروبیگی، رضا. (۱۳۹۱)، تحلیل نقش مشارکت مردم در پایداری اقتصاد روستایی مناطق روستایی شهرستان ایجرود، دوفصلنامه جغرافیا و توسعه ی ناحیه ی، دوره ۱۰، شماره ۱۹، صص ۷۱-۹۴
۱۶. صادقی، حسین، ارشک مسائلی، مهدی، باسرخ، مسعود. (۱۳۸۹). محاسبه شاخص توسعه انسانی استان ها با استفاده از رتبه بندی فازی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، صص ۱۵۳-۱۲۹.
۱۷. ضرابی، اصغر و شاهبوندی، احمد. (۱۳۸۹). تحلیلی بر پراکندگی شاخص های توسعه اقتصادی در ایران، مجله جغرافیای و برنامه ریزی محیطی، سال ۳ شماره پیاپی. صص ۳۲-۱۷.
۱۸. عباس زاده، هادی، کرمی، کامران. (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۴، شماره ۵۱. صص ۵۸-۳۱

۱۹. علایی، حسین. (۱۳۹۱). امنیت پایدار در سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، آفاق امنیت، شماره ۱۵، صص ۱۴۸-۱۱۹.
۲۰. عندلیب، علیرضا. (۱۳۸۰)، نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۲۱. عندلیب، علیرضا؛ شریف، مطوف. (۱۳۸۸). توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، فصلنامه باغ نظر، دوره ۶، ش ۱۲، صص ۷۶-۵۸.
۲۲. فاتحی، ابوالقاسم. (۱۳۹۱)، راهبرد های اجتماعی و فرهنگی امنیت پایدار با تاکید بر گفتمان انقلاب اسلامی، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره پانزدهم، صص ۱۱۸-۱۰۱.
۲۳. قربان نیا، ناصر. (۱۳۸۹). فلسفه مجازات ها در فقه کیفری اسلام. مجله قضاوت. شماره ۵۲.
۲۴. کریمی پور، یدالله. (۱۳۷۹). مقدمه ای بر ایران و همسایگان، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم.
۲۵. کریم زاده، مجید. (۱۳۹۵). بررسی عوامل موثر بر قاچاق کالا و تاثیر آن بر اقتصادی شهرستان مرزی سراوان، فصلنامه انتظامی اجتماعی، سال هشتم، شماره دوم، صص ۳۲-۱۷.
۲۶. گروه تحقیقات آکسفورد (۱۳۸۹)، سایت اینترنتی، «به سوی امنیت پایدار، www.Oxfordresearchgroup.org.uk.
۲۷. لطفی، امین. (۱۳۹۰). بررسی و ارزیابی شیوه ها و سیاست های کنترل مرز شرقی ایران (خراسان - افغانستان)، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی. دانشگاه فردوسی مشهد به راهنمایی دکتر سید هادی زرقانی
۲۸. موسوی، میرنحف، ویسیان، محمد، خلیفی پور، حکیمه. (۱۳۹۴)، اولویت بندی راهبردهای امنیت پایدار در آمایش، مجله جغرافیای سیاسی، سال اول، شماره ۲، صص ۷۷-۵۵.
۲۹. مشتاقی، علی. (۱۳۸۵). مدیریت مرزهای خشکی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. استاد راهنما دکتر پیشگاهی فرد.
۳۰. مستکانی، عابد، ابراهیمی و احمد وند، مرتضی. (۱۳۹۴). ارزیابی تأثیرات اجتماعی - اقتصادی بازارچه مرزی سرو بر توسعه مناطق روستایی پیرامون، پژوهش های روستایی، دوره شش، شماره دو. صص ۳۸۸-۳۶۹.
۳۱. یاسوری، مجید (۱۳۸۴). سیاست گذاری منطقه ای و چگونگی نابرابری ها در کشور، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال نوزدهم، ۲۱۱ - ۲۱۲.
32. Baumgärtner, S., Quaas, M., (2010): What is sustainability economics? Ecological Economics 69..
33. Chandre, D. (2007), "The security- development nexus and the rise of anti- foreign policy", Journal of International Relations and Development
34. Harris, Jonathan M. (2000): Basic Principles of Sustainable Development, GLOBAL DEVELOPMENT AND ENVIRONMENT INSTITUTE WORKING PAPER 00-04.